

گفت‌وگوی «جوان» با سردار کاظم یزدانی، رئیس سازمان ورزش بسیج درباره ویژگی‌ها و منش‌های حاج محمد مهر آیین

«مهر آیین» سنگ بنای پیشرفت جودو را گذاشت

■ سعید احمدیان

نام جودوی ایران بعد از انقلاب با حاج محمد مهر آیین گره خورده‌است،مدیریی که بنیانگذار موفقیت‌های جودو در سه دهه گذشته بوده است و به عنوان اولین رئیس فدراسیون جودو پس از انقلاب، خدمات ارزشمنندی را از خود به جا گذاشته است و به گفته کارشناسان این رشته، سنگ بنای جودو در زمان مدیریت مهر آیین گذاشته شد. به پاسداشت خدمات این مدیر خدوم، در گفت‌وگویی با سردار کاظم یزدانی رئیس سازمان ورزش بسیج که سابقه سال‌ها همکاری با ایشان را دارد، به بررسی ویژگی‌های شخصیتی‌شان پرداخته‌ایم.

سردار، شما یکی از همکاران و دوستان نزدیک حاج آقا مهر آیین هستید، در ابتدای امر درباره نحوه آشنایی‌تان با ایشان و شروع همکاری‌تان صحبت می‌کنید؟

ایشان جزو چهره‌های بی‌نظیر ورزش کشورمان هستند، من تقریباً از اوایل انقلاب با ایشان آشنا شدم، در تشکیلات سپاه ایشان جزو بنیانگذاران تربیت بدنی سپاه سال ۵۸ بودند و به اتفاق مصطفی بیابانی و حسین گیل کسانی بودند که با دستور مسئولان وقت، تربیت بدنی سپاه را طراحی کردند. به عنوان یک مربی جودو قبل از انقلاب مربیگری می‌کردم که این مربوط به سال ۵۹ و بعد از انقلاب بود و در جریان یک کلاس آموزش جودو بود که من را به ایشان معرفی کردند.کلاسی برای دوستان داشتیم که بعدها دیدیم اینها از کسانی هستند که تعدادی از آنها از مبارزان هیئت مؤلفه و بچه‌های انقلابی بودند که قبل انقلاب با ایشان ارتباط داشتند و ایشان تقریباً نزدیک هفت سال حدوداً در دو سه مرحله زندان بودند. حاج آقا هم مانند خیلی از مسئولان تراز اول کشور مثل شهید رجایی، شهیدبهشتی، شهید لاجوردی و قدوسی زندانی پیش از انقلاب بودند و هم پسندی آقای طالقانی و خیلی از علما و بزرگان بودند، لذا بعد از انقلاب در قالب تشکیل کلاس ورزش‌های رزمی این انسجامشان را دنبال کردند و من هم در قالب نیروی جوانی که ۱۷، ۱۸ ساله بود و مربی جودو، با ایشان رفت و آمد داشتم تا اینکه با روی کار آمدن شهید رجایی، ایشان به آقای مصطفی داوودی اولین رئیس سازمان تربیت بدنی بعد از انقلاب معرفی شدند. مرحوم داوودی چون از قدیم ایشان را می‌شناختند و با هم ارتباط داشتند و به فدراسیون کاراته، جودو و تکواندو را داغام کردند و به آقای مهر آیین گفتند ما رئیس باشم، در واقع ایشان از اواسط سال ۶۱ رئیس فدراسیون ورزش‌های رزمی شدند. همان موقع حکمی زدند و من را به عنوان دبیر فدراسیون منصوب کردند که یک سال و اندی با ایشان همکاری کردم.

و این همکاری را آغاز شد و تا چه زمانی ادامه داشت؟

با توجه به اینکه کاراته، جودو و تکواندو سه رشته مجزا بودند با ایجاد آقا صحبت کردم که این سه فدراسیون مجدد تفکیک شود. ایشان هم پذیرفتند و فدراسیون تفکیک شد و ایشان از اواسط ۶۲ رئیس فدراسیون جودو شدند و من را هم به عنوان نایب رئیس انتخاب کردند. کار جدی ما اواخر ۶۲ تقریباً به عنوان نایب رئیس فدراسیون جودو شروع شد، که آقای مهر این در دو مقطع رئیس ما بودند،از سال ۶۴ تا اواخر ۶۴. بعد به دلایلی استعفا کردند و من چهار سال به عنوان رئیس فدراسیون بودم، مجدداً سال ۶۸ ایشان با حکم دکتر غفوری فرد رئیس فدراسیون جودو شدند و تا اوایل دهه ۸۰ رئیس فدراسیون بودند که بعد ایشان آقای درخشان آمدند. نزدیک به ۱۰ سال با آقای مهر آیین کار کردم و در واقع از نظر زمانبندی این فرایند همکاری بود. البته آقای مهر آیین در سالل ۶۴ تا ۶۸ در کنار مسئولیت‌های مختلفی که داشتند، مسئولیت اداره کل ورزش جانبازان را بر عهده داشتند و مانند سابق به ما در فدراسیون جودو در مسائل مالی و پشتیبانی کمک می‌کردند.دره کل ورزش‌های جانبازان و فدراسیون یکی بود که بعداً تفکیک شد به اداره تربیت بدنی و

درد

حتی در فدراسیون یکی می‌آمد گرفتار بود و می‌گفت من پول ندارم، می‌گفتند از این پول بگیرید. یاقهرمان‌ها را برای مسابقات یا یک مربی را برای دوره‌های طولانی مدت یک ماهه به ژاپن و کشورهای مختلف اروپایی برای آموزش اعزام می‌کردیم، بعضی‌ها می‌گفتند ما پول نداریم اما این دوره‌ها برای ما حیاتی است به زندگی ما بستگی دارد، می‌گفتند پولش را بدهید، بروی. می‌گفتیم هیچ فدراسیونی این کار را نمی‌کند و همه فدراسیون‌ها پول حق عضویت می‌گیرند، شما می‌گویید اینها را بگیریم و یک پولی هم بدھیم

فدراسیون.

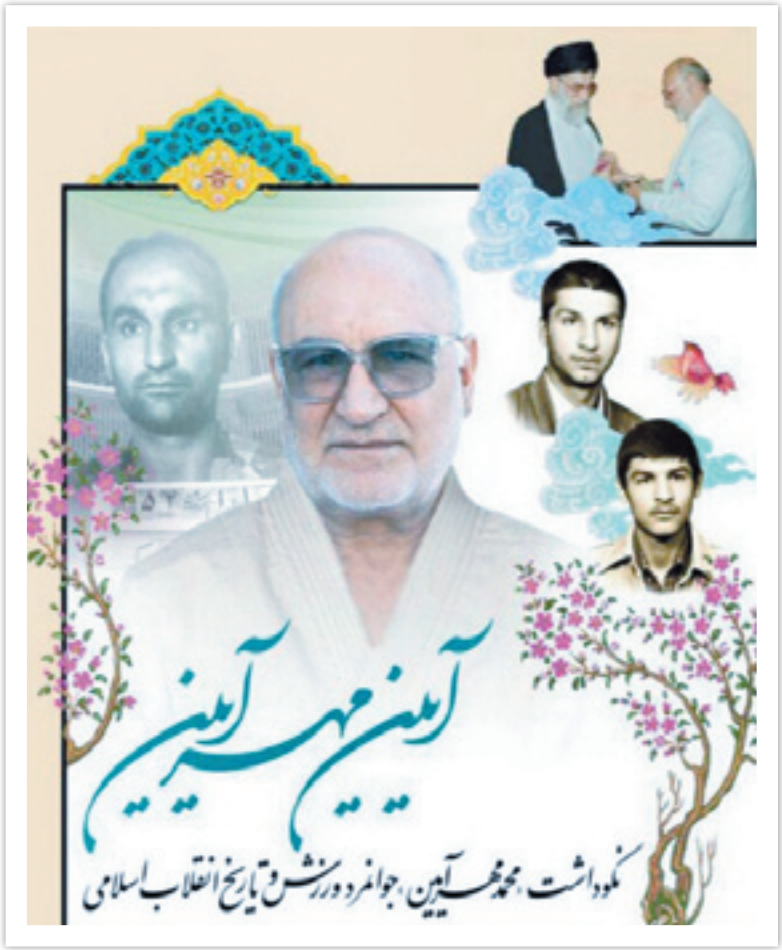
این فرایند زمانی بود که من با حاج آقا در دو سه مرحله کار کردم و بعد هم که آقای درخشان آمدند ایشان به عنوان هیئت رئیسه فدراسیون فعالیت می‌کردند و من هم در خدمت ایشان بودم و این همکاری ادامه داشت. این همکاری تاوأم داشته است امروز که سعی می‌کنیم حداقل مادی یک بار سری به ایشان بزنیم و حال و احوالشان را که امروز به عنوان مشاور فدراسیون جانبازان فعالیت می‌کنند، ببریم.

درباره روحیات و ویژگی‌های شخصیتی بارزشان که پدر بزرگوار دو شهید دفاع مقدس هم هستند، صحبت می‌کنید؟

ایشان روحیات خاصی داشتند، اولاً اینکه پنج پسرشان جودو کار کردند، ولی دو تا از فرزندان در این رشته بیشتر فعالیت می‌کردند، یکی شهید ناصر مهر آیین و دیگری هم شهید علی رضا مهر آیین بود. این دو واقعا خیلی سفت و محکم جودو کار می‌کردند و بچه‌های قوی از نظر بدنی بودند. علی‌رضا پیش یکی از رفقای ما کار می‌کرد و ناصر مدتی پیش من بود. دو فرزند ایشان جزو شهدای دفاع مقدس هستند و همانطور که اشاره کردم، جودو کاران خیلی خوبی بودند. خودشان هم از قبل انقلاب هم کاراته هم جودو و هم دفاع شخصی کار می‌کردند و حتی قبل از انقلاب در ساواک ایشان را در یک مقطعی به نام ممد جودو می‌شناختند. محمد موتوری هم به ایشان می‌گفتند آن هم به خاطر این بود که ایشان هیوندای ۲۵۰ داشت. رئیس فدراسیون که بودند خیلی مواقع ما را اسوار می‌کردند و برای نظارت در کلاس‌ها و سرکشی‌ها می‌رفتیم.

با توجه به موضوعی که بیان کردید، به نظر می‌رسد مدیری هستند که زیاد در قید بند نیست و مقام نبوده‌اند، درباره این خصوصیاتشان صحبت کنید.

بله، دوران انقلاب هم یک دوران خاصی بود، ایشان دو سه ویژگی منحصر به فردی داشتند که من در کمتر شخصی دیدم، یکی از کارهای ایشان این بود که با وجود مسئولیتی که داشتند، حقوق دولتی نمی‌گرفتند. در مقطعی که ایشان سال ۶۱ رئیس فدراسیون ورزش‌های رزمی بودند و بعد یک مقطع دو سال و اندی که رئیس جودو شدند و مجدد ۱۰



سال از سال ۶۸ تا ۷۹ که رئیس فدراسیون بودند یک ریال حقوق از فدراسیون برداشت نکردند.

تقریباً ۸۰درصد این زمان ۱۴، ۱۳ ساله را به هیئت رئیسه یعنی کادر اصلی فدراسیون و نایب رئیس که بنده بودم و دبیر فدراسیون که بیشتر آقای ابراهیمی بود، به ما حقوق نمی‌داد. می‌گفت شما از نهاد خودتان حقوق می‌گیرید بس است دیگر از فدراسیون حقوق نگیرید.

من در مقطعی هم مسئول نیروی هوایی بودم و هم هم‌زمان به عنوان نایب رئیس فدراسیون جودو کار می‌کردم یا در بسیج بودم و به ایشان کمک می‌کردم. می‌گفتند صبح‌ها که حقوق می‌گیری بعدازظهر من حقوق برنی دارم، تو هم برندار. این در حالی است که ما سراغ داریم فدراسیون‌هایی که رئیس فدراسیون چهار، پنج میلیون تومان حقوق برای خودش مشخص می‌کند و نایب رئیس پایین‌تر برمی‌دارد و به هر حال حقوق دارند. الان سال‌هاست که فدراسیون‌ها حقوق می‌گیرند، همان موقع هم می‌گرفتند. یادم است فدراسیون‌هایی که همسایگی ما بودند، هم رئیس هم نایب رئیس و هم دبیر حقوق می‌گرفتند، چون وقت می‌گذاشتند. این یادم است هر روز از ساعت ۲ بعدازظهر تا ۹ شب آنجا بودم و به سرکشی استان‌ها می‌رفتیم، دو سه روز برای برگزاری مسابقات، آموزش و... در جاهای مختلف بودیم اما نه ریالی به ما اجازه می‌داد بر داریم نه خودخ چیزی برمی‌داشت.

یعنی با وجود مسئولیت‌های سنگین و وقت گیر منبع درآمدی‌شان از حقوق دولتی نبود؟

بله، ایشان از قبل انقلاب تا همین امروز مغازه قفل و لولا در بازار داشت و از آنجا روزی‌اش تأمین می‌شد. همین الان که من دارم با شما صحبت می‌کنم، خیر ندارم که حاج آقا حقوق گرفته باشند. این در حالی است که مسئولیت‌های مختلفی داشته‌اند، مدتی رئیس اداره پشتیبانی مجلس شورای اسلامی بودند، مدتی در نهاد رهبری مسئولیت داشتند، چهار، پنج سال در اداره کل ورزش‌های جانبازان مسئولیت داشتند، رئیس اداره پشتیبانی وزارت سپاه در زمان رفیق دوست بودند، یکی دو سالی ایشان مدیرکل یا معاون اداری پشتیبانی وزارت دفاع بودند یا اوایل که در سپاه کار می‌کردند من یادم نمی‌آید که ایشان



گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۲۸

ف

با حمایت‌هایی که ایشان کردند ما توانستیم در چندین مرحله چند مربی از ژاپن را برای آموزش به ایران بیاوریم و بیش از ۶۰، ۷۰ نفر از مربیان سراسر کشور را به خارج از کشور اعزام کنیم تا در بحث آموزشی و ارتقای دانش روز مربیانمان تحولی ایجاد شود و زیرساخت تحول در جودو شد که کم‌کم از سال ۷۸ خودش را نشان داد تا سال ۸۰ که به اوج رسید

حقوق گرفته باشد و واقعا این یک نکته عجیبی است. این در شرایطی است که زمانی ایشان، مغازه‌اش که منبع درآمدش بود را از دست داد و در واقع فروخت به شاعرگردش و دیگر مغازه هم نداشت. یک جورایی تحت فشار بود ولی یادم نمی‌آید ایشان حقوقی گرفته باشد و این کار برای ما نسل جوان بود. این در حالی بود که آن موقع می‌دیدیم کسانی که مثلاًشش هفت سال در اسارت بودند و یا مبارز و زندانی قبل از زندان انقلاب بودند، پس از پیروزی انقلاب آمدند و سهم‌طلبی کردند و مسئولیت با حقوق‌های بالا گرفتند، ولی من ندیدم حاج آقا با توجه به سابقه مبارزاتی چیزی از مزایا طلب داشته باشد. این در حالی بود که ایشان از صبح تا غروب در مسئولیت‌های مختلف و فدراسیون مشغول به کار بودند اما من یادم نمی‌آید که حقوق گرفته باشند. این واقعا برای من درس عجیبی بود که باعث شد من در زندگی‌ام از این درس استفاده کنم و تا جایی که امکان دارد از ایشان یاد بگیرم و در مباحث اینچنینی حاج آقا را الگوی خودم قرار دهم.

با توجه به سابقه همکاری‌تان با ایشان، دیگر چه خصلت بارزی در مدیریت و زندگی‌شان وجود داشت که برایتان الگو بود؟

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان کمک کردن بود، یعنی من یادم است زمانی که به عنوان رئیس فدراسیون بودند با توجه با ارتباطاتی که با خیلی از وزرا در دولت‌های مختلف چه در دولت شهید رجایی چه در دولت‌هایمی و چه در دولت ریاست جمهوری حضرت آقا یا رؤسای جمهور دیگر داشتند، برای نیازمندان امکانات می‌گرفتند.یکی از خصوصیاتشان این بود که به مردمی که مستمند هستند کمک کنند، چهیزیه برای عروس و دامادهایی که دست و بالشان بسته بود، جمع و جور می‌کردند. ما با حاج آقا رفت و آمد خانوادگی داشتیم و سعی می‌کردیم مثلاً مایه یکی دو هفته به ایشان سر بزنیم، یکی از دلایلی به خاطر همین کمک‌هایی بود که ایشان می‌دادند، ما می‌گفتیم یک نفر جهیزیه می‌خواهد، می‌رفتیم بر می‌داشتیم. خانه سابقشان در میدان خراسان یا الان که در لویزان هستند، پیلوتش همیشه انبار اقلام است، انواع فرش، یخچال و چیزهای مختلف هست. ما هر دفعه می‌خواستیم سری بزنیم، اجازت و آمد بود، یک عده می‌بردند، یک عده می‌آوردند. نمونه‌های زیادی را در همین رابطه خودمان در رفت و آمدی که به منزل ایشان داشتیم، مشاهده کردم.

این کمک کردن در محیط کاری‌شان در فدراسیون جودو چطور بود؟

حتی در فدراسیون یکی می‌آمد، گرفتار بود و می‌گفت من پول ندارم، می‌گفتند از این پول بگیرید. یاقهرمان‌ها را برای مسابقات یا یک مربی را برای دوره‌های طولانی مدت یک ماهه به ژاپن و کشورهای مختلف اروپایی برای آموزش اعزام می‌کردیم.بعضی‌هامی‌گفتند ما پول نداریم اما این دوره‌ها برای ما حیاتی است به زندگی ما بستگی دارد، می‌گفتند پولش را بدهید.برود می‌گفتیم هیچ فدراسیونی این کار را نمی‌کند و همه فدراسیون‌ها پول حق عضویت می‌گیرند، شما می‌گویید اینها را بگیریم،ویک پولی هم بدیم.واقعا روحیات خیرخواهانه داشتند هر کسی می‌گفت من می‌خواهم جودو کار کنم اما پول ندارم می‌گفتند لباس از سازمان بدهید.

این کار هر روز بود، از استان‌ها می‌آمدند می‌گفتند بده چه برای تأمین تجهیزات نداریم، می‌گفتند به آنها چیزهایی که می‌خواهند را بدهید. این یکی از ویژگی‌های خیرخواهانه و خدمت‌رسانی ایشان بود که واقعا جالب بود. حاج آقا مهر آیین به نظر من یک شخصیت منحصر به فردی است که از نظر روحیه فردی، اخلاقی، تواضع، صبر و رسیدگی نمونه‌اش را ندیده‌ام یا ندگی خیلی کم در کشورمان وجود دارد.مدام به من می‌گفتند حواست‌به‌کارکنان باشد،مخصوصاً اینهایی که ضعیف‌تر هستند، مانند متصدی سالن یا بچه‌های ثبت نام، به مربیانی که مثلاً از نظر مالی ضعیف هستند حواست‌باشد و به این قوانین و مقررات فدراسیون برای اخذ شهره‌از کسانی که ندارند، زیاد توجه نکن. آیین‌نامه‌ای برای حقوق مربیان تهیه شده بود. من یادم است اوایلی که ایشان بودند،مربی ۲هزار و ۵۰۰حقوقش بود،می‌گفتند به اینها نگاه نکن، اگر دیدی مربی نیاز دارد، به او دو برابر بده، روحیات اینچنینی داشتند.

نحوه برخورد و مدیری‌تشان در فدراسیون جودو چگونه بود؟

در فدراسیون ما هیچ وقت احساس نمی‌کردیم رئیس

داریم هر وقت می‌آمدند پشت این میزهای جلسات می‌نشستند. می‌گفتیم میز و صندلی شما در اتاق است، رئیس فدراسیون اتاقش این است. می‌گفتند ولش کن، من آدمم سر به شما بزنم و بروم دنبال کارها، مدام دنبال این بودند که امکانی ایجاد کنند و بتوانند برای فدراسیون کمکی بگیرند. در طول همکاری مان چیزهایی از ایشان می‌دیدیم که خیلی عجیب بود و واقعا درس می‌گرفتیم.

من یک روز در فدراسیون دیدم در آبدارخانه سر و صدا می‌آید، دیدم حاج آقا دارد استکان‌ها را می‌شسوید. گفتم اینجا آبدارچی دارد. حرف را عوض کرد و گفت این صدا را می‌شنوی؟ می‌گفت این صدا یعنی اینکه این لیوان تمیز شده حواست باشد، این نشد شما باید لیوان را تمیز تر بشویید. ما را می‌برد در یک حال و هوای دیگری که آدم واقعا درس می‌گرفت یا مثلاً برنامه داشتیم می‌آمدند در جایه جا کردن میز و صندلی و پهن کردن تاتامی کمک می‌دادند. آن موقع با موتور به عنوان رئیس فدراسیون هم خودش می‌رفت، هم ما را می‌برد. خیلی از فدراسیون‌ها آن موقع ماشین‌های خوبی داشتند، مخصوصاً ایشان با حفظ سمت زمانی رئیس ما بود و سمت‌های مختلف در مجلس و ریاست جمهوری داشت، واقعا دستش باز بود

و می‌توانست با بهترین خودروی آن زمان رفت و آمد کند ولی این طوری نبود، موتور هم برای خودش نبود و حتی مدتی که مثلاً این اواخر وضعیت جسمانی‌اش اجازه نمی‌داد باز هم خودروی فدراسیون را سوار نمی‌شد، خودروی شخصی خودش بود و هم ما را جابه‌جا می‌کرد هم خودش استفاده می‌کرد. حاج آقا مهر آیین انسان ویژه‌ای هستند که نمونه‌اش را کمتر دیده‌ایم.

در رابطه با نقش‌شان در توسعه و پیشرفت جودو در ایران بعد از انقلاب صحبت می‌کنید؟

قبل از انقلاب که جودو کار می‌کردم، آن موقع

جودویی نداشتیم، تا جایی که یادم است ۱۱، ۱۲ استان در جودو فعال بودند که خوب بودند، بقیه استان‌ها اگر جودو داشتند خیلی در سطح مبتدی بودند. ایشان که به فدراسیون جودو آمدند، اختیارات خوبی به من به عنوان دبیر دادند و گفتند شما چون هستند می‌توانید در این رشته هم خواندید آسیب شناسی کنید مشکل جودو چیست و فکر اساسی کنید. ما یک کار گره تخصصی تشکیل دادیم و چهار،

جوان ۵۰۵۱

می‌کرد. خیلی از پیشکسوتان را نگاه کنید هستند، آنها هم سالن داشتند و هم تاتامی و لباس از خارج کرده بودند.

پس در جودو هم مانند بقیه حوزه‌ها در بعد از انقلاب با مشکلات زیادی مواجه بودید. چه برنامه‌هایی در زمان ایشان برای برون رفت از این وضعیت طراحی شد؟

بعد از انقلاب که می‌خواستیم جودو را گسترش دهیم، مشکلات زیاد بود و با وجود اینکه نیروهای نظامی امکانات داشتند اما عموم مردم نمی‌توانستند از آن استفاده کنند. لذا ما مشکل اساسی هم بابت سالن، هم بابت تشک و هم بابت لباس داشتیم.

مسئله دیگری که گریبانگیر جودو بود این بود که دانش بچه‌های ما به آن صورت بالا نبود، یعنی مربیان ما نیاز به یک بازآموزی اساسی برای به روز شدن داشتند. دو سه طرح آموزشی دادیم که هم درخواست مربی بود از ژاپن و کشورهای دیگر که به ایران بیایند و هم ما مربیان را ژاپن بفرستیم. دوره‌های پیشرفته را آموزش ببینند. ضمناً می‌خواستیم با کمک اساتید علوم ورزشی که در دانشگاه بودند، مربیانمان را با علوم روز علم تمرین و آمادگی جسمانی و ورزشی و روان شناسی ورزشی آشنا کنیم. به هر حال برنامه مفصلی را آماده کردیم و ۲۲۰ هزار تومان کل اعتبار یک سال ما بود و بعد بودجه برنامه‌ای که تهیه کرده بودیم ۲میلیون تومان بود! ۱۰ برابر بودجه می‌خواستیم. ایشان هم از طریق دولت رفیق دوست که آن موقع مسئولیت داشتند دستشان باز بود و کمک‌های خیلی خوبی گرفتند که ما بتوانیم مشکلات را حل کنیم و واقعا یک تحول و جهش بزرگی در توسعه جودو هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی صورت گرفت.

در ادامه دنبال این رفتیم که تا حد امکان، تجهیزات را که برای جودو لازم داریم در داخل تولید کنیم و وابستگی به خارج از کشور نداشته باشیم. به همین خاطر در آن مقطع به دنبال این رفتیم که چطور می‌توانیم حداقل نیازهای سخت‌افزاری و دانش روز را از خارج بگیریم اما نیاز سخت‌افزاری را باید هر طور شده در داخل تهیه کنیم. یکسری بچه‌های کمیته پشتیبانی در فدراسیون را ییزد و اصفهان فرستادیم. در



اصفهان کارگاهی بود که خورجین برای دو چرخه‌ها تولید می‌کرد. کار از آنجا شروع شد و بعد بچه‌ها گفتند که می‌توانیم در تاروپود

و نوع بافت و مواد اولیه این خورجین‌ها تغییر ایجاد و لباس جودو را تهیه کنیم. حاج آقا حمایت خوبی کردند و کمکی از تشکیلات گرفتند و ما توانستیم لباس جودو را به مقدار زیادی تهیه کنیم و یک حرکت بزرگی برای توسعه کمی جودو صورت گرفت. به موازات این هم ما در شیراز، اصفهان و یزد دنبال این بودیم که ببینیم مسئله تشک را چگونه می‌توانیم حل کنیم. الحمدلله با پیگیری‌هایی که شد و کمکی که ایشان آورد به عنوان سرمایه اولیه ما توانستیم چندین نوع تشک تاتامی حداقل برای اوستهای آموزشی‌مان تأمین کنیم. از طریق کمک نهادهای مختلفی مثل سپاه، انباز جانبازان و نهادهای دیگر، تولیدی داخلی تشک هم راه اندازی شد که کم‌کم توانست تشکی که حتی در رقابت بین‌المللی هم استفاده می‌شود تولید کند و الان هم تشک‌های تاتامی‌اش را به خیلی از کشورها صادر می‌کند. این کارخانه هم کم‌کم توسعه یافت و الان علاوه بر تشک، لباس هم تولید می‌کند.

درباره بحث‌های ارتقای دانش مربیان چه فعالیت‌هایی صورت گرفت؟

با حمایت‌هایی که ایشان کردند ما توانستیم در چندین مرحله چند مربی از ژاپن را برای آموزش به ایران بیاوریم و بیش از ۶۰، ۷۰ نفر از مربیان سراسر کشور را به خارج از کشور اعزام کنیم تا در بحث آموزشی و ارتقای دانش روز مربیانمان تحولی ایجاد شود و در واقع اینها همه مقدمات و زیرساخت تحول در جودو شد که کم‌کم از سال ۷۸ خودش را نشان داد تا سال ۸۰ که به اوج رسید. در جودویی که ما یک برنز برای اسپاه همزمان بود سال ۸۰ بچه‌های ما در بازی‌های ویتنام قهرمان آسیا شدند و هفت نفر با هفت مدال بر گشتند. این نقطه عطفی بود که با حمایت‌های ایشان و تلاش همه بچه‌ها به بار نشست.